

The Stylistics of the Encounter of the Ahl al-Bayt with the Deviant Imams with the Emphasis on the Encounter of Imam Hassan Askari with Ja'far the Liar

Mohammad Mostafa Asadi ¹, Alireza Janalizadeh Chenari^{2*}

¹ Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. asadi.m@iums.ac.ir

² Fourth-level scholar of Qom Seminary, Iran (Corresponding Author). janalizadeh313@gmail.com

DOI:10.22034/nrr.2025.65074.1410	
URL: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_19492.html	
Corresponding Author: Alireza Janalizadeh Chenari	ABSTRACT
Email: janalizadeh313@gmail.com	The era of Imam Hassan al-Askari was marked by restrictions and oppression imposed by the Abbasid caliphs, as well as deviations introduced by false claimants to Imamate, one example being the claim of Imamate by Ja'far ibn Ali, son of Imam al-Hadi .Given Ja'far's familial connection to the Imams and the potential for deviation within Islamic society and the Shia community, one must understand how Imam Hasan al-'Askari addressed this deviation. Therefore, the research question is: What was the approach of Imam al-Askari towards the deviation of Ja'far al-Kadhhab? Discovering this approach as a strategy of the Ahl al-Bayt (as) will lead to understanding methods of dealing with deviant currents and demonstrate the effectiveness of religion in addressing societal problems, which has two practical aspects. The discovery of this approach as a strategy of the Ahl al-Bayt has led to understanding methods of dealing with deviant currents and demonstrates the effectiveness of religion in addressing societal problems, which has been implemented in two aspects. In the first aspect of indirect confrontation, it involved identifying deviant elements within the legal profession's environment, training to counter doubts about Ja'far, applying esoteric knowledge to represent the Imam's position, taking a stance against the deviations of supporters, designating the mother as the guardian, and explicitly stating the Imamate of Imam al-Mahdi. In the second aspect of direct confrontation, there was a misrepresentation of Ja'far's beliefs and behavior. Consequently, it was determined that familial lineage was not a priority in the path of Imamate, and non-prominent relatives were not approved. In addition Imam Hassan Askari, like an active element in the effort to eliminate deviation from society, engaged in guiding the community by taking a stand against deviation and deviants.
Received: 2024/12/18	
Detected: 2025/02/16	
Accepted: 2025/03/11	
Available: 2025/03/21	
Open Access 	
Keywords: Facing Deviance, Jafar Kazab, Imam Hassan Askari, Imamzadegan	



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی



سبک‌شناسی مواجهه اهل بیت (ع) با امامزادگان منحرف با تأکید بر مواجهه امام حسن عسکری (ع) با جعفر کذاب

محمد مصطفی اسعدی^۱، علی رضا جانعلی زاده چناری^{۲*}

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران.

۲. دانش پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم، ایران (نویسنده مسئول).

DOI:10.22034/nrr.2025.65074.1410

URL: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_19492.html

چکیده

عصر حیات امام حسن عسکری (ع) همراه با ایجاد محدودیت و خفقان از جانب خلفای عباسی، همچنین ایجاد انحراف توسط مدعیان دروغین بوده که یکی از موارد آن، ادعای امامت جعفر بن علی فرزند امام هادی (ع) است. با توجه به انتساب نسبی جعفر به ائمه و زمینه ایجاد انحراف در جامعه اسلامی و جریان شیعی، بایستی دانست که امام حسن عسکری (ع) چگونه به مواجهه با این انحراف پرداختند. لذا مسئله پژوهش حاضر آن است که سبک مواجهه امام حسن عسکری (ع) با انحراف جعفر کذاب چگونه بوده است؟ کشف این سبک به عنوان راهبرد اهل بیت (ع) موجب شناخت روش‌های مواجهه با جریان انحراف و بیانگر کارآمدی دین در مواجهه با معضلات جامعه بوده است که در دو جنبه اجرایی گردیده است. در جنبه نخست مواجهه غیر مستقیم، به صورت آشکارسازی عناصر منحرف در بستر سازمان وکالت، کادرسازی برای شبهه ستیزی در مقابل جعفر، کاربست علم غیب جهت بازنمایی جایگاه امام، موضع‌گیری در مقابل انحراف حامیان، تعیین مادر در جایگاه وصایت و تصریح به امامت حضرت مهدی (عج) بوده است؛ در جنبه دوم مواجهه مستقیم، به صورت بازنمایی گمراهی اعتقادی و رفتاری جعفر بوده است. در نتیجه مشخص گردید که از طرفی انتساب خانوادگی در مسیر امامت اولویت نبوده و بستگان غیرشاخص تأیید نشدند، همچنین امام حسن عسکری (ع) همانند عنصری فعال در راستای زدودن انحراف از جامعه با موضع‌گیری در برابر انحراف و منحرفین به هدایت‌گری جامعه پرداختند.

نویسنده مسئول:

علیرضا جانعلی‌زاده چناری

ایمیل:

janalizadeh313@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱



دسترسی آزاد

کلیدواژه‌ها:

مواجهه با انحراف، جعفر کذاب، امام حسن عسکری (ع)، امامزادگان

یکی از اقدامات محوری ائمه اطهار(ع) مقابله با انحراف و حراست از اندیشه‌های اسلامی است که با بعثت نبوی آغاز شده و ائمه اطهار(ع) طبق شرایط عصر خود در دوران امامت خویش آن را دنبال نمودند. علی رغم وجود دشمنان و مدعیان خلافت در اعصار مختلف، برخی از این انحرافات درون شیعی و مربوط به ادعای دروغین افراد منتسب به دستگاه امامت بوده است که به دلیل پیوند نسبی جایگاه ائمه اطهار(ع) را نشانه گرفته و سعی در انحراف جامعه اسلامی داشتند. در عصر حیات امام سجاد(ع) ادعای امامت محمد بن حنفیه (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۴۸/۱- ابن شهر آشوب، ۱۳۸۲: ۱۴۷/۴)، همچنین ادعای امامت عبدالله افطح فرزند امام صادق(ع) (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸۵/۱- نوبختی، ۱۴۰۴: ۷۸) و در عصر حیات امام رضا(ع) قیام زیدالنار به دلیل انتساب نسبی به اهل بیت(ع) موجب انحراف در جامعه اسلامی گردید. (صدوق، ۱۳۷۸: ۲۲۳/۲) در عصر حیات امام حسن عسکری(ع)، انحرافات فکری و عقیدتی موجب تخریب شخصیت ائمه اطهار و ترسیم جلوه ای ناپسند از شیعه و انزوای مکتب اهل بیت(ع) شده بود که از مصادیق آن می‌توان به واقفی‌ها، صوفیه، ثنویه، مفوضه و فتنه سیاسی قیام صاحب الزنج اشاره نمود. علاوه بر این برخی از وابستگان نسبی امام، در محدود کردن و آزار و اذیت ایشان نقش داشتند که از میان آن‌ها، مشخصاً می‌توان به جعفر بن علی، معروف به «جعفر کذاب»، فرزند امام هادی(ع) و برادر امام حسن عسکری(ع) اشاره کرد. در این شرایط امام همانند عنصری فعال در راستای زدودن انحراف از جامعه با موضع گیری در برابر عوامل و افراد منحرف به هدایت‌گری پرداختند. پرسش پژوهش حاضر آن است که سبک مواجهه امام حسن عسکری(ع) با انحراف جعفر چگونه بوده است؟

نوآوری این موضوع آن است که هر چند گزارش‌های تاریخی به بیان رفتار ائمه اطهار(ع) با منحرفان پرداختند اما تاکنون پژوهشی که بر استخراج سبک از آن پرداخته باشد، انجام نشده است. در مورد ضرورت و کارکرد این تحقیق می‌توان گفت، با توجه به الگو بودن رفتار امام، مذاقه در این موارد می‌تواند به چگونگی مواجهه صحیح و معیار با جریان انحراف را برای جامعه اسلامی آشکار نموده و نقش فعال رهبران جامعه اسلامی در مقابل مدعیان دروغین رهگیری شود. به علاوه اهمیت این موضوع از آن جهت است که آشکار شود، انتساب خانوادگی در مسیر امامت اولویت نبوده و بستگان غیر شاخص تایید نشدند. در نهایت کارآمدی دین در مواجهه با انحراف و شخص منحرف آشکار می‌گردد.

پیش از این پژوهشی منطبق با مسئله حاضر یافت نگردید. البته، کلانتری و نویسندگان (۱۴۰۰) در مقاله جعفر کذاب و تلاش برای غصب مقام امامت امام زمان(عج) به عوامل موثر در ادعای امامت جعفر پرداخته و به صورت تفصیلی مواجهه امام عسکری(ع) با وی را بررسی نکرده است.

حسینی (۱۳۹۱) در مقاله شیوه های برخورد امام حسن عسکری (ع) با انحرافات؛ به برخوردهای مستقیم و غیر مستقیم امام حسن عسکری (ع) با انحرافات متعدد پرداخته و مواجهه با انحراف جعفر کذاب را به صورت اجمالی بیان نموده و به تفصیل آن نپرداخته است.

۱. مواجهه غیر مستقیم

یکی از روش هایی که ائمه اطهار از جمله امام حسن عسکری (ع) در راستای انحراف منحرفینی مثل جعفر به کارگیری نمودند، عدم برخورد مستقیم یا مواجهه غیر مستقیم بوده است. به عبارت دیگر، مواجهه غیر مستقیم در واقع برخورد با اصل انحراف همراه مقابله با زمینه های ایجاد انحراف جهت پیشگیری از هر گونه آسیب و انحرافی انجام شده و مواجهه مستقیم با شخص منحرف صورت نگرفته است که جنبه تبیینی برای جامعه داشته تا در مواجهه با آن دچار گمراهی نشوند. همچنین اهل بیت (ع) در مواجهه با انحراف و منحرفین نگاه کلی بر مواجهه با انحراف در کنار تمرکز موردی بر منحرف داشتند. از این روی غالب مواجهه با انحراف امامزادگان منحرف، مواجهه غیر مستقیم بوده است. این مواجهه به صورت های مختلفی انجام شده که در ادامه اشاره می گردد.

۱.۱ آشکارسازی عناصر منحرف در بستر سازمان وکالت

در عصر نیمه دوم دستگاه امامت، گسترش تشیع در مناطق مختلف موجب شد تشکیلاتی ایجاد گردد تا ائمه اطهار بتوانند به واسطه آن نیازهای شیعیان را رفع نمایند. محدودیت های ارتباطی امامان متاخر موجب شد ضرورت تشکیل سازمان وکالت اهمیت مضاعفی پیدا کند. سیاست های کنترلی خلفای عباسی در دوران امامت امام حسن عسکری (ع) موجب شده بود تا در پادگان شهری محبوس شده و رفتار ایشان به شدت تحت کنترل باشد. (نوبختی، ۱۴۰۴: ۹۲) در برخی اقوال امام باید دو مرتبه در هفته حضور خود را به اطلاع دارالخلافه می رساند. (طبری، ۱۴۱۳: ۴۲۹) این حجم از محدودیت ها همراه با انحرافات فکری در جامعه موجب شده بود که امام حسن عسکری (ع) سازمان وکالت ایجاد شده توسط امامان قبلی را حفظ و توسعه دهد. طبق احادیث ماثوره با توجه به پراکندگی جمعیت شیعیان و محدودیت ارتباطی امام، نقش سازمان وکالت و توسعه آن دارای اهمیت بسزایی بود. قلمروی فعالیت وکلا در عصر حیات امام کاظم (ع) مناطقی مثل کوفه، مدینه، بغداد، مصر، اهواز و نقاط دیگری بود که در عصر حیات امام حسن عسکری (ع) به نیشابور، قم، طبرستان، گرگان، بصره، گسترش یافته و حضرت به خوبی آن را مدیریت کردند. (کشی، ۱۴۰۹: ۵۴۹) با عنایت به اینکه زمینه های بروز انحراف در جعفر، از دوران امامت امام هادی (ع) آشکار شد، سبک مواجهه امام حسن عسکری (ع) جهت رهگیری و پاسخ و دفع اختلاف و انحراف، در قالب توسعه سازمان وکالت و وجود وکلای امام در مناطق مختلف به صورت تشکیلاتی انجام گردید.

به عبارت دیگر ایشان به صورت غیر مستقیم با اشراف اطلاعاتی و توسعه شبکه وکالت، در صدد صیانت بخشی و امنیت فکری شیعه برآمده و به نقش مبارزاتی علیه منحرفان و مدعیان دروغین جایگاه امامت به واسطه سازمان وکالت اقدام نمودند. به عنوان نمونه امام عسکری (ع) در منطقه کش و نیشابور پیش از آغاز غیبت و ادعای امامت جعفر کذاب، فردی به نام ابراهیم عبده را به عنوان وکیل خود را در میان شیعیان خراسان معرفی نمود. امام علاوه بر اشاره به اوصاف امین و ثقه بودن او، به وظیفه نظارتی ابراهیم بر احوال شیعیان را بیان نمودند. (کشی، ۱۴۰۹: ۵۰۹/۱) در این عبارت به سبک دیگری از مواجهه اشاره شده و آن اینکه امام با عنایت به زندگی سخت شیعیان در دوران خلفای عباسی، به رسیدگی مالی و نظارتی بر احوال عموم شیعیان اشاره نمودند که شامل مباحث فکری و عقیدتی و مقابله با انحراف هم بوده است. یکی دیگر از شواهد توسعه سازمان وکالت در عصر امام عسکری (ع) وکالت فردی بنام علی بن الحسین بن علی و علی بن محمد خلقی در نواحی سمرقند بوده است. (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۲۹) توسعه شبکه وکالت در حدی بود که اواخر سال سوم هجری در سمرقند و کش با تلاش محمد بن مسعود عیاشی، تشیع قوت یافت؛ به طوری که خانه وی را به عنوان «مرتعا للشیعة و أهل العلم» دانسته اند. (خوئی، ۱۳۹۰: ۲۳۹/۱۸)

علاوه بر این، با توجه به نفوذ وکلاء در میان جامعه به عنوان نیابت از امام، گاهی آشکارسازی عناصر منحرف در بستر شبکه وکالت نسبت به وکلای فاسد هم صورت گرفته است که سبک مواجهه امام جهت جلوگیری از انحراف جامعه، معرفی وکلای ارشد در راس شبکه وکالت بوده است. به عنوان نمونه، امام حسن عسکری (ع) در میان طالبیون مدینه وکلایی داشتند که برخی پس از شهادت امام عسکری (ع)، ولادت حضرت حجت را انکار کردند و توسط ایشان عزل شدند. (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ۳۵۳) در این اوضاع با توجه به انحراف برخی از وکلاء، امام عسکری (ع) برخی افراد مطمئن که دارای کمالات و شایستگی بیشتری بودند را به عنوان وکیل ارشد و بالاترین درجه سازمان وکالت تعیین نمود و دیگر وکلاء به پیروی و هماهنگی با آنان فراخوانده شدند. از جمله این افراد عثمان بن سعید عمری است که امام درباره او فرمودند: «در زمان حیات و بعد از من، امین و مورد اطمینان من است، همانطور که مورد تایید پدرم امام هادی (ع) بود؛ آنچه بگوید از جانب من است» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ۳۵۴) امام او را به عنوان رئیس وکلاء معرفی نمود و تمام وجوہات و حوائج شیعیان توسط او نزد امام می‌رسید. (کشی، ۱۴۰۹: ۴۸۱) بنابراین با توجه به نقش افراد در حوادث تاریخی و هدایت یا انحراف عده زیادی، موجب گردید تا با توجه به امکان فساد و دنیاطلبی برخی وکلاء، امام برخی افراد را به عنوان معیار و شاخص جهت مراجعه آحاد جامعه معرفی نمایند تا آشکارسازی منحرفین دچار خدشه نشود. لازم به ذکر است، تعیین وکیل ارشد به عنوان مرجع پاسخگویی نیازهای مردم، زمینه سازی برای عدم دسترسی فیزیکی به امام در عصر

غیبت صغری را به همراه داشت تا نایبان حقیقی امام، زمینه مقبولیت و نمایندگی از جانب امام را بیش از پیش داشته باشند. این افراد شاخص، آن مقدار مورد اطمینان اهل بیت(ع) بودند که از تولد حضرت مهدی(عج) مطلع شدند. در روایتی آمده است: امام عسکری(ع) فرزندش حضرت مهدی(عج) را به چهل نفر از وکلای خاص خود نشان داد و به آنان گفت در طول غیبت فرزندشان از عثمان بن سعید تبعیت کنند. (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ۲۳۱- صدوق، ۱۳۹۵: ۴۳۵/۲) حضرت مهدی(عج) در دیدار خود با اهالی قم، به نیابت عثمان بن سعید اشاره کرد و مردم را به او ارجاع دادند. (صدوق، ۱۳۹۵: ۴۷۶/۲) پس از اینکه جعفر ادعای امامت نمود، وکلایی همانند احمد بن اسحاق برای اطلاع از درستی و نادرستی ادعای جعفر، به عثمان بن سعید نامه نوشت، که در آن انحراف مدعیان دروغین امامت آشکار شد. (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۶۸/۲) گرچه پس از شهادت امام عسکری(ع) انشعابات از فرقه های انحرافی ایجاد شد؛ ولی تداوم نیافت، لذا شیعیان یازده امامی وجود ندارد. بنابراین امام با توسعه شبکه وکالت به مبارزه با انحراف مدعیان دروغین جریان امامت پرداخته و با تعیین افراد شاخص به عنوان نماینده و مرجع، در شرایط دشوار همراه با سیاست های کنترلی حکام عباسی، ولادت حضرت مهدی(عج) را به عنوان امام بعدی اعلام نمودند. در نتیجه سبک اقدامات امام حسن عسکری(ع) در این شرایط، همراه با فساد برخی وکلاء، موجب شد تا نسبت به مدعیان دروغین و وکلای فاسد، با تعیین وکلای ارشد به عنوان مرجع و معیار، آشکار سازی انحراف مدعیان دروغین در جامعه صورت گرفته و جامعه نسبت به مدعیان دروغین در مورد نیابت و امامت بیش از پیش آگاه باشد.

۱.۲ کادر سازی برای مقابله با شبهات جعفر

بنیان و اساس یک جامعه دینی بدون داشتن کادر توانمند ممکن نخواهد بود. با توجه به تلاش دشمنان اسلام در اعصار مختلف، لزوم کادر سازی برای شبهه ستیزی اهمیت فراوانی دارد. همانطور که رسول خدا (ص) برای استقرار و استمرار حکومت اسلامی با تربیت اصحاب جلیل القدر و کادر سازی به انتشار حقایق اسلامی پرداخت؛ این مهم در سیره ائمه اطهار ادامه داشت. یکی از اهداف و برنامه های اساسی امام حسن عسکری(ع) حراست و نگهداری از اندیشه های ناب اسلامی بود که با آغاز بعثت و دعوت پیامبر اسلام(ص) شروع شده و هر یک از ائمه اطهار طبق شرایط حاکم بر دوران امامت خویش این امر مهم را به بهترین شیوه انجام دادند؛ ولی جامعه مسلمانان به خصوص شیعیان در زمان امامت ائمه اطهار(ع) دچار برخی از مشکلات بوده و عده ای با رواج انحرافات فکری و عقیدتی، جامعه مسلمین را به سوی باطل کشاندند. امامان معصوم (ع) با کادر سازی و تربیت افراد مختص اقدام به شبهه ستیزی نموده و به مبارزه با انحرافات فکری و انشعابات درونی تشیع پرداختند. با توجه به سیاست کنترلی و محدودیت های خلفای عباسی نسبت به امام حسن عسکری(ع)، کادر سازی برای شبهه

ستیزی جنبه عامی داشته است که با به کار گیری افراد مختلف از پیروان امام در اهداف مشخص آشکار گردیده است. این مهم در سخن «حاجز و شاء» از وکلای امام عسکری(ع) آشکار است زیرا وقتی که جعفر خواست بر پیکر امام عسکری(ع) نماز بخواند، حضرت مهدی(ع) او را کنار کشید و گفت: «عمو! کنار برو، من باید بر جنازه پدرم نماز بخوانم.» در این هنگام حاجز با مشاهده قیافه دگرگون جعفر، خطاب به او گفت: آن کودک چه کسی بود؟ حاجز با روش سوالی و استفهام انکاری، می خواست نسبت به ادعای باطل جعفر واکنش نشان داده و آن را محکوم کند. جعفر هم در پاسخ گفت: واللّه تا به حال او را ندیده و نمی شناسم! (صدوق، ۱۳۹۵: ۴۷۵/۲) بنابراین این سوال در راستای به چالش کشیدن جعفر در ادعای کذب او و اقدام در راستای شبهه ستیزی انجام شد. بنابراین سبک مواجهه امام عسکری(ع)، کادرسازی افرادی همانند حاجز و شاء به شیوه سوالی و استفهام انکاری بوده، تا ادعای دروغین فرد منحرف به چالش کشیده شد.

سبک مواجهه امام حسن عسکری(ع) جهت کادرسازی برای شبهه ستیزی در انحراف، علاوه بر اصحاب، به قشر دیگری از افراد که خدمتگزار امام بودند هم رسید. امام حسن عسکری(ع) به ابوالادیان خادم و نامه رسان امام، در موقعیتی نشانه های امامت را به او بیان نمود تا هنگام ایجاد شبهه و مشکل در شناخت امام، با نشانه هایی به شناخت امام دست یابد. ابوالادیان نقل کرده است که در آن بیماری که منتهی به شهادت امام حسن عسکری(ع) شد، خدمت ایشان رسیده و ایشان نامه هایی نوشته و فرمودند: نامه ها را به مدائن خواهی بُرد، سپس روز پانزدهم که وارد سامراء شدی، از خانه من ناله و شیون بلند است! در ادامه در مورد امام بعدی سوال نمودم که امام عسکری(ع) سه نشانه بیان نموده و فرمودند: نماز خواندن بر جنازه من، خبر دادن از نامه ها، و جواب دادن به زائران قمی، که هر سه مورد توسط حضرت مهدی(عج) محقق شد. (همان، ۴۷۹)

علاوه بر کادرسازی افراد برای شبهه ستیزی، با توجه به اهمیت علم جهت زدودن جهل و نادانی، سبک دیگر مواجهه امام حسن عسکری(ع)، توصیه و تشویق به علم آموزی با تشویق نویسندگان به تالیف و نوشتن مطالب صحیح در راستای زدودن مطالب و عقائد باطل بوده است. همچنین تایید نویسندگان اینگونه کتب، به عنوان مرجعی برای مراجعه در مقابل شبهات و مسائل دینی مورد نیاز و فراگیری مسائل دینی قابل رهگیری است. به عنوان نمونه می توان به کتاب «یوم و لیل» از یونس بن عبدالرحمن اشاره کرد که در نقلی وقتی به امام عرضه شد، فرمودند: «خداوند به هر حرف آن، نوری در روز قیامت به او عطا فرماید.» (نجاشی، ۱۴۱۵: ۴۴۷/۱) همچنین برخی آثار دیگر را خدمت امام عسکری(ع) عرضه داشتند تا درباره آنان نظر دهند که امام فرمودند: «... محتوای کتاب صحیح بوده و به آن عمل کنید.» (سیدبن طاووس، ۱۴۰۶: ۱۱) تشویق امام عسکری(ع) موجب شد تا شانزده نفر از شاگردان دست به تالیف زده و صد و هجده کتاب ثمره آن شد. از میان شاگردان او، تعداد سی و شش کتاب از علی بن حسن فضال، تعداد سی و پنج کتاب از محمد بن حسن صفار، تعداد نوزده کتاب از عبدالله بن جعفر حمیری، تعداد هفت کتاب از احمد بن ابراهیم و تعدادشش کتاب از هارون بن مسلم تالیف گردیده است. (آقابزرگ

تهرانی، ۱۴۰۸: ۱۴۹/۳) ویژگی یونس بن عبدالرحمان، فقاہت و جایگاه علمی در مبارزه با انحرافات همانند واقفیه، شاهی بر کادرسازی امام به صورت عام بر شبهه ستیزی بوده است. (کشی، ۱۴۰۹: ۴۶۷/۱) بنابراین امام با ترغیب و تشویق نویسندگان به تالیف کتب صحیح و توصیه به شیعیان در عمل به محتوای آن، در کنار توسعه علم و دانش به صورت عام در هدف کادرسازی جهت مقابله با شبهه ستیزی و مقابله با انحراف اقدام نمودند.

۱.۳ کاربست علم غیب در جهت بازنمایی جایگاه امام

به باور شیعیان، امامت منصبی الهی و امام حافظ شریعت و پاسخگوی تمام نیازهای دینی امت است. بنابراین شخص امام باید دارای ویژگی‌های ممتازی باشد تا هدایت جامعه را به نیکوترین وجه انجام دهد. یکی از ویژگی‌های مهم بیان شده درباره خصوصیات امام، علم و دانش بوده است. گرچه در مورد کیفیت و گستره علم لدنی امامان اختلاف نظر وجود دارد اما اصل علم لدنی امامان مورد اتفاق علمای امامیه است. در مورد گستره و کیفیت علم لدنی امامان، برخی علمای امامیه قائل به اطلاق علم امام به حوادث نیستند. (مفید، ۱۴۱۳: ۷۰- ابن شهر آشوب، ۱۳۸۲: ۲۱۲/۱) این علم و آگاهی اکتسابی نبوده بلکه از آن تعبیر به علم لدنی شده است. علم لدنی دانشی است که مستقیماً و بدون واسطه از خداوند دریافت می‌شود. (نراقی، ۱۳۸۰: ۴۹۹) علم لدنی شامل همه علوم مادی و غیبی می‌شود. از این روی، علم غیب در اعصار مختلف به عنوان معیار و شاخص صحت ادعای امامت ائمه اطهار(ع) و بازنمایی جایگاه امام بوده است. به عنوان نمونه پس از شهادت امام صادق(ع) عبدالله افطح فرزند امام کاظم(ع) ادعای امامت نمود اما توانایی سوالات شرعی و موضوعات فقهی را نداشت. در این هنگام هشام بن سالم و محمد بن نعمان در گرویدن به مرجئه، قدریه، معتزله و زیدیه مردد بودند که فردی آنان را به سوی خانه امام کاظم(ع) راهنمایی کرد. امام از سر درون آنان آگاه بوده و با مشاهده آنان بدون اینکه لب به سخن گشایند فرمود: «به سوی مرجئه، زیدیه، قدریه و معتزله نروید. پاسخ سوالات شما اینچنین است و امام شما من هستم.» (مفید، ۱۴۱۳: ۲۲۱/۲) اظهار عقیده آنچه مخفی بوده و به کسی نگفته بودند، شاهی بر علم غیب و امامت حضرت کاظم(ع) بوده است. همچنین این واقعه بیانگر وجود فرقه‌های منحرف در جامعه بود، بطوری که برخی از شیعیان به امامت عبدالله افطح گرویده بودند. از این روی، امام کاظم(ع) در مواجهه خود جهت هدایت اقشاری که از شیعیان ضعیف امامت بودند، با اظهار علم غیب، آنان را از پیروی فرقه‌های ضالّه نهی نمودند.

در همین راستا، با توجه به انحرافات و تشکیک در اثبات امامت امام عسکری(ع)، سبک دیگر امام حسن عسکری(ع) در مواجهه با مخالفین بهره‌گیری از علم غیب بوده است. محمد بن عیاش در روایتی نقل کرده است که در میان جمعی سخن از کرامات حسن بن علی العسکری(ع) شد. فردی ناصبی جهت صحت سنجی علم امام به ما گفت: من نوشته‌ای بدون جوهر می‌نویسم، اگر ایشان آن را پاسخ دادند، قبول کنم که بر حق هستند. پس از اینکه مسائل خود را برای امام نوشتیم، مرد ناصبی هم مطالب خود را بدون جوهر نوشته و خدمت امام ارسال

نمودیم. پس از مدتی حضرت پاسخ نامه های ما را داده و در پاسخ مرد ناصبی، اسم او و نام پدرش را نوشت. ناصبی با دیدن پاسخ امام، از هوش رفته و وقتی به هوش آمد به حقانیت امام عسکری (ع) معترف گردید و در زمره شیعیان امام گشت. (اربلی، ۱۳۸۱: ۲۱۱/۳) در این مورد علم غیب امام، به عنوان شاهد و نشانه بر امامت بود که موجب هدایت فرد ناصبی شد.

پس از رحلت امام حسن عسکری (ع)، وقتی شیعیان با ادعای امامت جعفر مواجه شدند، طبق روال گذشته که از امامان دلیل و شاهی بر صدق امامت شان میخواستند، نزد جعفر رفته و از وی دلیل برای اثبات امامتش طلب نمودند ولی جعفر به علت دارا نبودن دانش امامت در پاسخ به شیعیان گفت: «هم اکنون برهان مسلمی که بتوانم برای شما اثبات امامت خود را روشن نمایم در نظر من نیست.» (کلینی ۱۴۰۷: ۵۲۳/۱) با توجه به مشاهده بهره گیری امام عسکری (ع) از علم غیب، بازنمایی از جایگاه امام نزد پیروان و مخالفان آشکار گردید. بنابراین کاربست علم لدنی به عنوان شاخص در برابر هر فرد منحرف مثل جعفر در ادعای امامت است. همچنین ویژگی علم لدنی آنچنان در بین شیعیان مشهور بود که راه شناخت امام را علم لدنی و غیبی می دانستند. زمانیکه بعضی از نمایندگان شیعیان برای تحویل وجوهات شرعی خدمت امام رسیدند، با مشاهده رحلت امام، در جستجوی جستجوی امام بعدی بودند که به جعفر راهنمایی شدند. آنان از جعفر نشانه های اموال را طلب نمودند اما او نه تنها نشانه های اموال را نمی دانست، بلکه برای تصاحب اموال با عصبانیت برخورد کرد و نمایندگان شیعیان را دروغگو خطاب نمود. (صدوق، ۱۳۹۵: ۴۷۶/۲ - راوندی، ۱۴۰۹: ۱۱۰۲/۳)

۱.۴ موضع گیری در مقابل انحراف حامیان جعفر

بی شک علاوه بر انحراف افراد، حمایت و پشتیبانی حامیان و طرفداران افراد و عناصر منحرف در ترویج انحراف موثر بوده است. از این روی، سبک دیگر اقدامات غیر مستقیم امام حسن عسکری (ع) در برابر انحراف جعفر، موضع گیری در مقابل انحراف حامیان و اطرافیان او بود. یکی از حامیان اصلی جعفر، فردی به نام «فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی» بود. دوستی جعفر با فارس به حدی بود که دوست و دشمن از آن مطلع بود. (صدوق، ۱۳۹۵: ۵۸/۱) ابن ماهویه در ابتدا از وکلای امام هادی (ع) بود اما دنیاطلبی و فساد او موجب شد امام او را طرد نماید. فضل بن شاذان که از اصحاب امام هادی (ع) است در مورد فارس گفته است: «او از دروغگویان مشهور و فاسد بود» (کشی، ۱۴۰۹: ۵۲۳) سابقه وکالت ابن ماهویه از عصر حیات امام هادی (ع) موجب نفوذ در میان عده ای از مردم و ترویج امامت جعفر کذاب شده بود. امام عسکری (ع) همانند روش اهل بیت (ع) با مشاهده ایجاد انحراف در میان شیعیان، علی رغم نظارت شدید خلفای عباسی همانند عنصری فعال، واکنش نشان داده و برخورد شدیدی نمودند. سبک مواجهه معصومین اطلاع رسانی و معرفی منحرف به شیعیان بوده است. در پرسش های شیعیان در مورد فارس، امام در پاسخ ضمن ابراز بیزاری، او را تکذیب و و مورد لعن قرار داد. علاوه

بر این، سبک دیگر مواجهه امام با عناصر منحرف و حامی منحرفین، درخواست تحریم اجتماعی و طرد نمودن منحرف جهت در انزوا قرار گرفتن بوده که همین را به شیعیان در مورد فارس توصیه نمودند. (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۵۲؛ کشی، ۱۴۰۹: ۱۰۰۳) عمق ایجاد انحراف توسط فارس در جامعه به گونه ای بود که عده‌ای از شیعیان در امامت امام حسن عسکری(ع) شک کرده و در صدد آزمایش و نامه نگاری با ایشان برآمدند. حضرت در پاسخ با آزرده‌گی و ناراحتی نوشتند: هیچ‌یک از پدران من همانند من گرفتار شک و تزلزل شیعیان در امر امامت نشدند. (حرانی، ۱۳۸۸: ۴۸۷) فتنه‌گری‌های متعدد فارس در ادوار مختلف زمانی موجب شد که امام عسکری(ع) همانند سیره پدر بزرگوارشان با موضع‌گیری قاطع ضمن بیان بدعت‌های او، دستور قتل فارس را صادر نمودند. (کشی، ۱۴۰۹: ۵۲۴) با توجه به اینکه امام هادی(ع) و سپس امام عسکری(ع) فارس را مرتد می‌دانست اما همچنان جعفر با او همراهی می‌کرد. (نوبختی، ۱۴۰۴: ۹۸) دلیل همراهی جعفر این بود که فارس، جعفر را امام بعدی می‌دانست. (همان: ۱۰۶) در نتیجه سبک مواجهه امام عسکری(ع) اطلاع رسانی و تبیین در مورد وکیل فاسدی همانند فارس بود تا حامی جعفر کذاب به درستی در میان جامعه شناخته شده و آحاد جامعه با شناخت انحراف حامیان و اطرافیان، به انحراف جعفر پی ببرند.

۱.۵ تعیین مادر در جایگاه وصایت

یکی دیگر از روش‌های امام حسن عسکری(ع) در مواجهه غیرمستقیم با انحراف جعفر، قرار دادن مادر بزرگوار خود در جایگاه وصایت بوده است. با توجه به اینکه پس از شهادت امام حسن عسکری(ع)، در طبقه ارث علاوه بر جعفر، مادر و فرزند امام هم در حیات بودند، قرار دادن مادر به عنوان وصی شاهی بر بی‌اعتمادی نسبت به جعفر بوده است. منابع تاریخی دال بر طمع و چشم اندوزی جعفر نسبت به اموال امام عسکری(ع) بوده است. به عنوان نمونه می‌توان به درخواست وی از وکلا مبنی بر ارسال اموال برای وی و همچنین تملیک ارث امام اشاره نمود. (طبرسی ۱۴۰۳: ۴۶۸/۲ - کشی، ۱۴۰۹: ۲۸۷/۱) همچنین، جعفر به بخشی از دارایی امام دست بُرد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۲۴/۱) از این روی، مواجهه امام حسن عسکری(ع) به عنوان یک اقدام مؤثر و غیر مستقیم در آشکاری سازی انحراف جعفر و فریب دشمن، علی‌رغم آنکه فرزند و برادرش زنده بودند، قرار دادن مادر خود حدیث به عنوان وصی بود. در نقلی ادعای مادر امام در مورد همین وصیت نزد قاضی مطرح و اثبات شده است. (همان، ۵۰۳/۱) سرانجام با شهادت امام حسن عسکری(ع)، جعفر با قصد دست‌یابی به موقعیت برادر، خود را وصی ایشان قرار داد. همچنین پس از مطلع شدن از ولادت حضرت مهدی(عج)، خبر آن را به اطلاع خلیفه رساند که بر همین اساس خلیفه دستور هجوم به منزل امام عسکری(ع) را صادر نمود و موجب آزار شیعیان و اهل بیت امام گردید. (صدوق، ۱۳۹۵: ۴۷۵/۲) با توجه به اطلاع جعفر از تولد فرزند امام عسکری(ع) با ادعای ارث بردن از برادر خود، تلاش نمود خود را وارث امام معرفی نماید اما امام حسن عسکری(ع) در زمان حیات

خود با مشاهده ضلالت جعفر با معین کردن فردی غیر از او در وصایت، ادعای وصایت جعفر را رد نمودند. لازم به ذکر است که این وصیت دلالت بر نفی وجود فرزند برای حسن امام عسکری (ع) ندارد، بلکه اقدامی هوشمندانه جهت بطلان ادعای جعفر در تنها وارث بودن از امام است، همچنین با بهره گیری از تقیه سعی در مخفی بودن حضرت مهدی (عج) از چشمان حکومت دارد. نظیر همین رویکرد را امام صادق (ع) برای در امان ماندن فرزندش موسی بن جعفر (ع) انجام داد و پنج نفر را وصی خود معرفی نمود که از جمله آنان حمیده بربریه بود. (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۰۸)

۱.۶ تصریح به امامت حضرت مهدی (عج)

با توجه به این که پیامبر اکرم (ص) از جانب خداوند مأمور شد که جانشین خود را به مردم معرفی کند، بر امامان بعد از ایشان نیز لازم بود که امام و جانشینان خود که حجت الهی بر روی زمین هستند را به مردم معرفی کنند؛ تا کسانی که خواهان پیروی از دستورات الهی هستند دچار حیرت و جهل در شناخت امام خود نشوند. ائمه اطهار (ع) هم یکی پس از دیگری جانشین و امام بعد از خود را به مردم معرفی نمودند. از این روی مهم ترین اقدام امام حسن عسکری (ع) علاوه بر ترویج اندیشه مهدویت، تصریح به امامت حضرت مهدی (عج) بوده است. با عنایت به اینکه اوج انحراف جعفر در ادعای امامت بوده است، امام حسن عسکری (ع) در مواقع مختلف به امامت حضرت مهدی (عج) و جانشینی او تصریح نمودند که شاهی بر سبک مواجهه غیرمستقیم امام در بطلان ادعای امامت جعفر بوده است.

وجود انشعابات فکری و فرقه های مختلف و تلاش دشمن برای حذف فیزیکی وجود مقدس امام حسن عسکری (ع)، موجب شده بود ضرورت شناخت افراد جامعه با امام بیش از پیش آشکار گردد. از این روی، جهت تعمیق شناخت و باور به امام دوازدهم، معرفت افزایی و آشناسازی شیعیان با شخص امام مهدی (عج) انجام گردید. امام یازدهم در پاسخ به سؤال محمد بن عبدالجبار مبنی بر امامت و حجت بعد از خود فرمودند: «همانا امام و حجت خدا بعد از من، فرزند من است که هم اسم و هم کنیه رسول خدا (ص) می باشد؛ همان کسی که پایان بخش حجت های خدا و آخرین خلیفه اوست» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۲۰/۱۲) در ادامه صراحت در معرفی امام دوازدهم در بیان ویژگی های شخص حضرت مهدی (عج) بیان گردید. احمد بن اسحاق بن سعد از امام عسکری (ع) نقل کرده که فرمودند: «سپاس خداوند را که مرا از دنیا نبرد تا آن که جانشین پس از مرا به من نمایاند. او در خلقت و اخلاق، شبیه ترین مردم به پیامبر خداست. خداوند از او در غیبتش محافظت خواهد کرد، سپس آشکارش می کند و او عدل را جاری کند، همان سان که از ظلم و بیداد پر شده است» (صدوق، ۱۳۹۵: ۴۰۸/۲) در ادامه آن حضرت در برخی از سخنان خود به صفات و ویژگی های فردی حضرت مهدی (عج) پرداخته و مردم را برای امامت آخرین حجت الهی آماده نمود. (اربلی، ۱۳۸۱: ۵۲۶/۲) بنابراین سبک دیگری از مواجهه امام حسن

عسکری(ع)، تصریح به امامت امام مهدی(عج) همراه با تشابه اسمی، منش و رفتاری با رسول خدا(ص) بوده است.

لازم به ذکر است، علاوه بر تصریح به شخص امام مهدی(عج)، با توجه به سختی دوران غیبت، رابطه‌مندسازی ارتباط اجتماعی شیعیان با امام جامعه انجام شده است. به عبارت دیگر امام با آینده‌نگری و دوراندیشی برای مهیا کردن ذهنیت مردم برای امر غیبت در دوران امامت حضرت مهدی(عج)، ارتباط اجتماعی عصر خویش با شیعیان را ضابطه مند نمودند. در همین راستا، امام عسکری(ع) ملاقات عمومی کلان نداشت. یا کمتر اجازه ملاقات حضوری می‌داد و یا در برخی جلسات از پشت پرده با شیعیان سخن می‌گفت. از طرف دیگر، ایشان با این کار در صدد است به جامعه شیعی القاء کند که عنصر مرجع جهت پاسخگویی و رفع نیازهای علمی و فقهی، از طریق علما و فقها صورت گیرد. جالب است که گاهی امام پاسخ به سؤالات فقهی را به صورت کامل بیان نمی‌کرد و گاه به بیان قاعده‌ای کلی اکتفا می‌کرد تا فقها بتوانند با کمک این قواعد به پاسخ برسند. چنین امری موجب ارتقای منابع انسانی در شبکه وکالت شد. ایشان در صدد بودند شیعیان مسائل فقهی خویش را بدون حضور امام یاد گرفته و مردم نیز به فقها رجوع کنند تا با آمادگی وارد عصر غیبت شوند. همچنین در قاعده مند سازی روابط اجتماعی با امام، گاهی از طریق نامه نگاری، برای ارتباط با شبکه وکالت استفاده شد؛ مثل نامه‌ای که امام به علی بن حسین بن بابویه نوشته و او را به عنوان فقیه و مورد اعتماد دستگاه امامت به صبر، استقامت و انتظار فرج حضرت مهدی(عج) توصیه نمودند. (علم الهدی، ۱۴۱۹: ۲/۲۶۵) بنابراین امام عسکری(ع) از همان دوران امامت خویش، با توجه به وجود منحرفین و مدعیان دروغین در اعصار مختلف، شیعیان را به تبعیت از محدثین و فقها آماده نمودند تا با مرجعیت فقها، عدم ضرورت ارتباط مستقیم با امام معصوم تبیین گردیده و موجب آمادگی اذهان عمومی برای پذیرش نقش فقهاء در دوران غیبت صغری و کبری گردد و شبکه وکالت و مرجعیت به عنوان عنصر و محل رجوع در هنگام شبهات برای مسلمانان نقش آفرین باشد.

۲. مواجهه مستقیم

یکی دیگر از روش‌هایی که ائمه اطهار(ع) از جمله امام حسن عسکری(ع) در راستای انحراف افرادی مثل جعفر بکارگیری نمودند، مواجهه و برخورد مستقیم بوده است. پس از موارد مواجهه غیر مستقیم؛ مقابله با نقش آفرینی شخص منحرف و هدایت عمومی جامعه، نیازمند این است که با آنان مواجهه مستقیم انجام شود.

۲.۱ بازنمایی گمراهی اعتقادی و رفتاری جعفر

یکی دیگر از اقدامات در مقابل شخص منحرف، بازنمایی گمراهی اعتقادی و رفتاری منسوبین نسبی به ائمه اطهار(ع) بوده است. سبک مواجهه اهل بیت(ع) در مواجهه با آنان، پس از ارشاد، تذکر و انتقاد جهت اصلاح مسیر

آن امامزاده، اعلام موضع و بازنمایی گمراهی این دسته از افراد بوده تا پیوند نسبی این افراد، موجب شکاف در مسیر هدایت جامعه اسلامی نگردد. به عنوان نمونه در مجلسی زید النار با فخرفروشی نسبت به انتساب خود به دلیل فرزند امام بودن، در پی ایجاد جایگاه برای خود بود؛ که امام رضا(ع) به تلاش برای اصلاح مسیر و انتقاد از او پرداخته و فرمودند: «ثمره معصیت و نافرمانی، بهشت الهی نخواهد بود.» (صدوق، ۱۳۷۸: ۲/۲۲۳) در ادامه سبک دیگر مواجهه، اصلاح پیروان با بیدارگری بوده است که امام خطاب به حسن بن علی و شاء، ضمن اشاره به داستان پسر نوح نبی، فرمودند: «هر فردی ولو از فرزندان اهل بیت(ع) نافرمانی خدا کند، از ما نخواهد بود.» (همان) همچنین امام به حسن به جهنم فرمود: هر کسی معصیت خدا را کند، دشمن خداست و با دشمن خدا دوستی مکن! در ادامه امام توصیه هایی مبنی بر رعایت تقوا و پرهیزگاری به زید فرمود. (صدوق، ۱۳۷۸: ۲/۲۳۴) همچنین امام در مواقعی انحراف شخص منحرف را به صورت عمومی برای تبیین جامعه بیان نمودند. پس از مدتی امام رضا(ع) با مشاهده اصرار زید بر انحراف خود، در مجلسی پاسخ او را نداده و فرمودند: «تا در معصیت خدا هستی بین من و تو برادری نیست.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/۳۶۱) سرانجام زید بر رفتار اشتباه خود اصرار داشته و در پی جاه طلبی در بصره قیام کرده و خانه های بنی عباس را به آتش کشید. امام رضا(ع) با مشاهده وی، او را سرزنش و ملامت نموده و فرمودند تازنده هستند با او سخن نگویند. (صدوق، ۱۳۷۸: ۲/۲۳۳) بنابراین در سیره رضوی، از طرفی بازنمایی گمراهی اعتقادی و عملی با روش تذکر، انتقاد، اصلاح مسیر، اعلام موضع و تحریم ارتباط اجتماعی نسبت به زید که پیوند نسبی با امام داشت انجام گردید، همچنین به اصحاب و اطرافیان نسبت به معصیت و نافرمانی تذکر داده شد تا علاوه بر اصلاح و بیدارگری، انحراف زید در آنان تاثیری نداشته باشد.

علاوه بر این در عصر حیات امام حسن عسکری(ع)، جعفر بن علی هم تلاش نمود برای خود در میان جامعه شخصیت موجه و قابل قبول ترسیم نماید، که امام به بازنمایی شخصیت واقعی او برای پیشگیری و کاهش آسیب به جامعه اقدام نمود. برخی احادیث به بازنمایی گمراهی جعفر به پیش از تولد وی اشاره دارد که امام سجاد(ع) به نقل از رسول خدا(ص) فرمودند: «.... زمانی که فرزندم جعفر بن محمد(ع) متولد شد، نام او را صادق بگذارید زیرا پنجمین نسل از فرزندان او فردی به نام جعفر متولد خواهد شد که بر خدای متعال دروغ بسته و ادعای امامت خواهد کرد. ... با پدرش مخالفت نموده و نسبت به برادر خود حسادت می ورزد.... گویا جعفر کذاب را مشاهده می کنم که طاغوت زمان خود را برای تفتیش امر ولی خدا وادار می کند. جعفر به ولادت حضرت مهدی(عج) جاهل بوده و اگر به او دست یابد، به قتل ایشان حریص است و به میراث او چشم دوخته تا آن را تصاحب نماید. (طبرسی، ۱۴۱۷: ۲/۱۹۴) در این روایت به صورت فراعصری و قبل از به دنیا آمدن او، سبک معرفی بستگان نسبی منحرف به کذاب بودن و صفاتی همانند حسادت، طمع مال دنیا و استعداد کشتن امام و خلیفه الهی اشاره

شده که بازنمایی از گمراهی اعتقادی و عملی جعفر بوده است. علاوه بر این، یکی دیگر از موارد بازنمایی و شناساندن گمراهی جعفر در قالب پیشگویی از لحظه به دنیا آمدن او بکارگیری شده است. شیخ صدوق در نقلی از صالح بن عبدالله بیان نموده که مادرم فاطمه، دختر محمد بن هيثم مشهور به ابن سیابه در روز به دنیا آمدن جعفر در خانه امام هادی(ع) حضور داشت. در منزل امام، همه از ولادت جعفر خوشحال و مسرور بودند به جز خود امام هادی(ع). از ایشان دلیل عدم خوشحالی را سوال نمودم که حضرت در پاسخ فرمودند: «او افراد بسیاری را گمراه خواهد کرد!» (صدوق، ۱۳۹۵: ۳۲۱/۱) همچنین در عصر حضور جعفر هم، امامین عسکریین(ع) به بازنمایی و تبیین گمراهی جعفر اقدام نمودند. امام هادی(ع) در تمثیلی فرزندش جعفر را همانند فرزند نوح معرفی نمود. (خصیبی، ۱۴۱۹: ۳۲۰) در ادامه امام با مشاهده زمینه های اثرگذاری سوء جعفر در میان شیعیان و تلاش در جهت ایجاد جایگاه اجتماعی برای خود، در میان جمعی از شیعیان فرمودند: «از جعفر بیرهیزید، همانا جعفر دشمن من است، اگر چه فرزندم می باشد. هم چنین او دشمن برادرش حسن است و حسن امام بعد از من می باشد.» (خصیبی، ۱۴۱۹: ۳۲۰) امام هادی(ع) با این روش، به مرزبندی امام حق و باطل پرداخته و با دشمن خطاب کردن جعفر، شیعیان را در پیروی از او هشدار داده و مسیر هدایت را هموار نمود؛ آنچنان که راوی نقل کرده است: با سخنانی که از حضرت هادی(ع) شنیدیم، تردید ما در امامت امام بعدی برطرف شد. همچنین بیان سخن در میان جمعی از اصحاب شاهی بر تبیین انحراف شخص جعفر برای جامعه بوده است. بازنمایی گمراهی اعتقادی جعفر در عصر امامت امام حسن عسکری(ع) هم دنبال شد و ایشان در بیانی صریح، یکی از شواهد و دلایل گمراهی جعفر را، حسادت بیان نموده و به انحراف جعفر تصریح کرده و فرمودند: «از برادرم جعفر، حذر کنید! قسم به خدا مثل من و مثل او، همانند مثل هابیل و قابیل، دو فرزند حضرت آدم است که قابیل به هابیل حسد ورزید که چرا خداوند، آن چنان به او عطا فرموده است. اگر جعفر بتواند مرا بکشد، هرگز دریغ نمی کند و لکن خدا بر تمام کارهای او پیروز است. (خصیبی، ۱۴۱۹: ۳۸۲)

علاوه بر این، یکی دیگر از شواهد بازنمایی گمراهی عملی و رفتاری جعفر، اشاره به ویژگی های رفتاری او بوده است. در نقلی شراب خواری، ترک نماز، سحر و جادو آمده است. از مهم ترین این گزارش ها توقیع شریف حضرت مهدی(عج) می باشد. (صدوق، ۱۳۹۵: ۵۱۰/۲ - طوسی، ۱۴۱۱: ۱۷۶ - طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۷۰/۲) بنابراین امامین عسکریین(ع) با مجموعه اقدامات مؤثر خود در مواجهه با انحراف جعفر، به معرفی انحراف فکری و عملی او اطلاع رسانی داشته و نسبت به جامعه تحذیر و هشداردهی نمودند تا مردم گرفتار اقدامات گمراه کننده جعفر و فرقه منحرف جعفریه گرفتار نشوند.

نتیجه گیری

ادعای امامت جعفر کذاب برادر امام حسن عسکری(ع) در دوران حیات امام حسن عسکری(ع) در معرفی حضرت مهدی(عج) به عنوان آخرین امام همراه با شرایط سخت محدودیتی از جانب خلفای عباسی ایجاد چالش و خطر برای هدایت جامعه در برداشت. مواجهه ائمه اطهار(ع) با انحراف افرادی که دارای پیوند نسبی با آنان بودند، تکیه بر مواجهه غیر مستقیم با انحراف بوده تا پیشگیری از آسیب نموده و یا آسیب کمتری به جامعه و امت اسلامی وارد شود، همچنین در نهایت امام حسن عسکری(ع) در مواجهه با انحراف جعفر کذاب همانند عنصری فعال با مدیریت کامل، تقیه را کنار زده و نقش آفرینی نمودند. سبک مواجهه امام حسن عسکری(ع) با توجه به شرایط محیطی دوران امامتشان متنوع بوده؛ از جمله اینکه گاهی با روش تحذیر و هشدار از فریب منحرفین خطاب به عموم مردم بهره برده و گاهی خطاب به برخی اصحاب و پیروان جهت بیدارگری و اصلاح اقدام نمودند. همچنین سبک دیگر تلاش جهت اصلاح مسیر امامزاده منحرف و در صورت عدم تنبّه، معرفی و اطلاع رسانی ضلالت او برای مصونیت جامعه از انحراف بوده است.

علاوه بر آنچه بیان شد، لازمه جایگاه فراعصری اهل بیت(ع) این است که جریان‌های اجتماعی منتسب به خاندان اهل بیت(ع) با جریان اصیل اهل بیت(ع) و پیروان حقیقی تفکیک شود. تفکیک دو جریان نیازمند پالایش جریان‌ها و توجه به شاخص سازی است. از این روی، معیار شاخص سازی فرانسبی و متصل به منش افراد بوده است، نه نژاد و انتساب خانوادگی و قومیت؛ به عبارت دیگر در حیات امام حسن عسکری(ع)، انتساب خانوادگی در مسیر امامت اولویت نبوده و بستگان و امامزادگان غیر شاخص تایید نشدند. در نتیجه مهمترین جلوة الگوبرداری، پیوند مکتبی به جای پیوند نسبی مورد تاکید است. بنابراین تنوع و جامعیت سبک مواجهه ائمه اطهار(ع) با افراد منحرف بیانگر کارآمدی و پویایی دین در حل معضلات جامعه بوده است.

منابع

قرآن کریم

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، چاپ اول، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب، مصحح آشتیانی و رسولی، چاپ اول، قم، علامه.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۸۲)، متشابه القرآن، چاپ پنجم، قم، بیدار.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، کشف الغمّه عن معرفه الائمه، چاپ اول، تبریز، بنی هاشمی.
- آقا بزرگ تهرانی، محمد حسن، (۱۴۰۸ق)، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، چاپ اول، تهران، نشر کتابخانه اسلامیة.
- حرانی، ابو محمد، (۱۳۸۸)، تحف العقول، چاپ هشتم، قم، نشر آل علی(ع).
- حسینی، جواد، (۱۳۹۱)، مقاله شیوه های برخورد امام حسن عسکری(ع) با انحرافات، نشریه مبلغان، شماره ۱۵۰- از صفحه ۳۷ تا ۴۹.
- خصیبی، ابی عبدالله حسین بن حمدان، (۱۴۱۱ق)، الهدایه الکبری، بیروت، موسسه البلاغ.

- خوئی، ابوالقاسم، (۱۳۹۰ق)، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، چاپ اول، قم، مؤسسة الخوئی الإسلامية.
- سیدبن طاووس، علی، (۱۴۰۶ق)، فلاح السائل و نجاح المسائل، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، (۱۴۲۶ق)، التوحید، چاپ نهم، قم، نشر اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، (۱۳۹۵ق)، اکمال الدین و تمام النعمة، چاپ دوم، تهران، اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، (۱۳۷۸ق)، عیون اخبار الرضا (ع)، چاپ اول، بیروت، موسسه الاعلمی. للمطبوعات.
- طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، چاپ اول، مشهد، مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۷ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، چاپ اول، قم، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث.
- طبری، محمد بن جریر رستم، (۱۴۱۳ق)، دلائل الامامه، اول، قم، بعثت.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۱ق)، الغیبه، چاپ اول، قم، دارالمعارف الاسلامیه.
- علم الهدی، محمد بن محسن، (۱۴۱۹ق)، معادن الحکمة فی مکاتیب الاثمة، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- غروی اصفهانی، محمد حسین، (۱۳۷۳)، نهایی الدرايه فی شرح الکفایه، چاپ اول، قم، نشر سیدالشهدا (ع).
- کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ق)، رجال الکشی اختیار معرفه الرجال، چاپ اول، مشهد، نشر دانشگاه مشهد.
- کلانتری و نویسندگان، سجاد، (۱۴۰۱)، مقاله جعفر کذاب و تلاش برای غصب مقام امامت زمان (عج)، نشریه دانشگاه آزاد، محلات، سال ۱۷ شماره ۶۴ - صفحه ۳۰۹ تا ۳۳۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، کافی، چاپ اول، تهران، المكتبة الإسلامية.
- مفید، محمد، (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید.
- نراقی، احمد، (۱۳۸۰)، خزائن، چاپ اول، قم، قیام.
- نوبختی، حسن بن موسی، (۱۴۰۴ق)، فرق الشیعه، چاپ دوم، بیروت، دارالاضواء.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی